

بیانیه شاهرزاده رضا پهلوی
در مورد
نادیده گرفتن حقوق انسانی اقوام ایرانی

۲۳ آبان ماه ۱۳۸۸

هم میهنانم،

اعدام بی رحمانه ی احسان فتاحیان باری دیگر گوهر ضد انسانی و جنم ضد ایرانی ولایت مرگ و جهل را نمایان کرد؛ این حکومت اشغال گر و ایران ستیز که برای بر جا ماندن خود دست به هر گونه پلیدی و جنایتی می زند و در عین حال مدعی برخورداری از برترین حقیقت ها نیز است، آیا به راستی حق را نمایندگی می کند؟ آیا طی این سی سال هرگز انسان را رعایت کرده است؟ آیا طی این سی سال هرگز ایرانیت را به جا آورده است؟ پرسش این است: این ها برآمده از کدامین وحشت سرای تاریخ، برخاسته از کدامین سنت و مکتب اند که از هنگام ورود ناگوار اش به خاک ایرانزمین، برای ایران و ایرانی جز رنج و درد و مرگ هدیه ی دیگری نداشته و چیزی، جز رگبار اندوه و طوفان بیم نبوده است؟

ایرانیان،

آنچه که خمینی پایه گذاشت و کسانی، غرقه در نوستالژی خون و خشونت، امروز از آن به راه طیبه ی امام یاد می کنند و خواهان بازگشت تام و تمام به آن اند، یک نظام آپارتاید محض بود که برترین ویژگی اش، تا به همین امروز، بخش کردن انسان ها به خودی و غیر خودی، و یا، کافر و مومن بوده است؛ کافر، و یا غیر خودی، هر آن کس است که خواستار حق است و معترض و جستجوگر آزادی و آزادی، و مومن نیز کسی ست که به پشتیبانی کورکورانه از اقلیت حکومتی برخیزد و خارج از مدار نقس گیر ولایت گام ننهند، چرا که جز این، شایسته ی بزرگ ترین کیفر ها خواهد بود.

هم میهنانم،

نظام آپارتاید ولایی که سیادت و سروری یک طیف غیر مولد را بر همه ی دیگر قشر ها و گروه های اجتماع رسمیت بخشیده است، برای خود حق مطلق تفسیر و روایت در همه ی زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و دینی قائل است و با تکیه به این حق مطلق، که اصولا ناقض هر گونه برداشت اصیل از مفهوم حق است، هر آن کس را که مطابق منافع او عمل نکند، محارب، مفسد و مُرتد نامیده و در نهایت به حذف و نابودی فیزیکی اش دست می زند.

در این میان آن دسته از هم میهنان ما که بطور آشکار از آئین و مکتب ولایت محوران حکومتی پیروی نمی کنند، هدف فشارها و تبعیض های دوگانه هستند؛ در کنار دراویش و عارفان میهن ما که حکومت فقیهان از هیچ فرصتی برای پایمال کردن حقوق اولیه ی آنان چشم پوشی نمی کند، دو تا از

شریف ترین و بلند آوازه ترین تیره های قوم ایرانی، یعنی بلوچ ها و کردها، بزرگ ترین رنج ها را در این سی سال برده اند. آن ها از هر غیر خودی ای غیر خودی تر شمرده شده اند، و این در حالی ست که تاریخ ایران بدون این راستین ترین فرزندان ایرانزمین پنداشتنی نیست و اصولاً تمدن ایرانی هرگز هیچ یک از فرزندان خود را غیر خودی ندانسته و امروز نیز نمی داند؛

عزیزانم،

در فردای برچیده شدن این نظام آپارتاید و اشغالگر که جز ویرانی ایران و خواری ایرانی دستاوردی نداشته است، همه ی فرزندان کوروش برای ایرانی آباد و آزاد، شانه به شانه ی هم خواهند کوشید و در زیر آسمان آبی ایرانشهر، همه ی ایرانیان پاک نهاد با هم در شادمانی و آسایش و آشتی خواهند زیست.

هم میهنان، شک نکنیم: در ایرانی که از دست اغیار بد نهاد باز اش خواهیم ستاند، هیچ کس بر هیچ کس برتری نخواهد داشت.

مرگ اجباری و نابهنگام احسان عزیزم را از سوی ملت بزرگ ایران به خانواده ی گرامی و همه ی بازماندگان و دوستان اش تسلیت می گویم و خود را در اندوه بزرگ شان شریک می دانم؛ خون او به هدر نخواهد رفت، و ایرانزمین نام یکایک فرزندان دلیر اش را در حافظه اش ثبت خواهد کرد.

خداوند نگهدار ایران باد
رضا پهلوی